

## مختصری در اطراف مسئولیت حقوقی

### « مقدمه »

قبل از اینکه در اطراف لزوم و موقعیت مسئولیت حقوقی در جامعه و ارتباط آن با قانون بطور کلی و بخصوص وضع قوانین ما بحث پردازیم مقدمتاً میبایست چند کلمه در اطراف مسئولیت حقوقی و نظریات و کلاء و قضات گفته شود.

در مدتی که این نویسنده ناچیز با وکلاء و قضات در اطراف قوانین مربوطه به مسئولیت حقوقی بحث و مطالعه کرده ام بیشتر معتقد بوده اند که چون قوانین ما پیش‌بینی چنین مسئولیتی را نکرده است طرح دعوی و اصرار برای اخذ نتیجه بی اثر و عبث است. اغلب در ضمن مذاکره در اطراف این مسئله شنیده میشود که محاکم بعرض حال ضرر و زیان چندان اهمیتی نمیدهند یا کمتر رای بنفع شاکی صادر میکنند اینها همه شاید فرع این باشد که در قانون مدنی و یا جزائی نص صریح و نوشته سفید و سیاه در اطراف مسئولیت حقوقی دیده نمیشود.

اگر این دلیل حتی بحقیقت نزدیک میشد جای تأثیر بود زیرا آنوقت ما همه وکلاء و قوانین مجلسین می‌شویم و اگر یک روز مجلسین دور هم جمع شوند کلیه قوانین مصوبه را نسخ کنند آنوقت نه حق باقی است و نه وکلیلی. در صورتیکه حقیقت غیر از این است گرچه حق و قانون در بعضی اوقات یکی میشوند ولی در حقیقت دوتن مجزا میباشند.

اگر مفهوم از قانون همان نوشته سفید و سیاه کتابچه کوچک که در دست همه است میبود وکیل شدن و قاضی شدن آسانترین شغل روزگار میشد. در صورتیکه بسیاری از وکلاء و قضات و استادان را می‌شناسیم که بیش از نیم قرن از عمل خود را صرف مطالعه و محاکمه کرده اند و هنوز بقول و تصدیق خود در خم یک کوچه اند.

فضیلت وکیل میرز و قاضی فهیم و عاقل بر دیگری همین است که یکی چشم بسفید و سیاه کتابچه کوچک دوخته و دیگری مسائل اجتماع را با مقرض قضاوت قطع و فصل میکند و متحیر و هراسان ببهانه از پیش مسائل نمیگریزد.

مسئولیت حقوقی تا اندازه ممکن است برای قوانین ما تا زگی داشته باشند از مسائلی میباشند که امروز بمقرض قضاوت احتیاج دارند و اگر منتظر نص سفید و سیاه شویم اجتماع ما از نظریاتی غیر قابل تحمل میشود.

چنانکه گفته شد بقول بعضی مسئولیت حقوقی در قوانین ایران وجود ندارد تا بسابقه تاریخی آن چه رسد. اما اگر مختصری در اطراف سابقه تاریخی مسئولیت حقوقی در قوانینی که در آنها مسئولیت حقوقی وجود دارد مطالعه کنیم توجه میشود که بین قوانین ما و آنها وجه تشابهی وجود دارد و از این نظر مسئله تا اندازه جالب تر میگردد.

### مختصری در اطراف مسئولیت حقوقی

قانون بطور کلی ویا هر قسمت آن بخصوص با تئوری ها و قواعد منظم ومنجز شروع بزندگی خود نکرده ریشه آن در اعماق تاریکی های اجتماعات بشری وطبیعت انسان مفقود شده و امروز جز حدس یا مطالعه دقیق کار دیگر نمیتوان کرد وشاید دلیل اختلاف عقیده بین نویسندگان و علمای بزرگ در مورد ریشه واصل قوانین همین طول مدت وعمر زیاد اجتماعات بشری باشند

بنا براین دراین مختصرسمنک نیست سوابق تاریخی قوانین مربوطه بمسئولیت حقوقی را جزء بجزء تشریح کرد و درضمن اختلاف نظربین علمای تاریخ حقوق را نیز کاملاً حل کرد بخصوص اینکه ریشه های اصلی اینگونه قوانین همیشه شکل و وضع اختلاف خود را نداشته اند وتشخیص ارتباط بین اسلاف و اخلاف آسان نیست.

با در نظر گرفتن این نکته معلوم است که آنچه گفته میشود هم مختصر است وهم ناقص ونقص آن پس از ناچیزی این نویسنده دریچیدگی اصل مطلب مستقر است.

مسئولیت حقوقی درمالک انگلوساکسن که بمنتهای وسعت ودقت وموشکافی رسیدگفته شده است که از یکی ازسه ریشه مختلف سرچشمه گرفته:

**اول جرم است.** شخصیکه مرتکب جرمی شده ازعهده خسارت آن نیز میبایستی برآید. جرم در شروع قوانین این مالک مثل قوانین تمام مالک دیگر دارای تعریف بسیار دقیق ومنظم نبوده چه عمل جرم محسوب بوده و در باره مرتکب چه میشده کرد واز کدام از جرائم مختلف آثارمسئولیت حقوقی مترتب بوده وطریقه عمل دراین صورت چه بوده همه از مسائلی میباشند که در اطراف آنها نمیتوان بطور دقیق وبا اطمینان زیاد قضاوت کرد.

اما بهر حال گفته شده که جرم از منابع مسئولیت حقوقی بوده است مسئولیت حقوقی را یکنوع مانع برای ارتکاب جرم دانسته اند. اما ازعوامل اصلی جرم نیست چون مقصود بانجام عملی که قانون جرم دانسته عامل اصلی است ومعمولاً وقتی مرتکب فاقد نیت یا مقصود باشد مرتکب جرم نشده حتی اگر عمل انجام شده باشد. در این صورت برای اینکه مسئولیت حقوقی ایجاد بشود میبایست نیت ومقصود وجود داشته باشد وعمل را نیز قانون جرم بشمارد ودر نبودن نیت ومقصود مسئولیت حقوقی نیز نخواهد بود.

در اینجا خیلی مجاز است که بقوانین ایران اشاره شده در ۱۶ ماده اول اصول محاکمات جزائی قانونگذار سعی کرده تکلیف مدعی خصوصی را که در اثر جرم تحمل ضرر وزیان کرده در مقابل مدعی عموم که مسئله را از نظر جرم بر علیه و بر ضد اجتماع تعقیب میکنند تعیین کند.

نتیجه کلی که از این مواد میتوان استنباط کرد این است که مدعی خصوصی وقتی میتواند ادعای ضرر وزیان کند که ارتکاب جرم اقلیاً بمرحله اتمام رسیده باشد ماده ۹ بصراحت مدعی خصوصی را تعریف میکند ووجود او را بر تحمل ضرر وزیان در اثر وقوع جرم موکول میکند اینجا وجه تشابه بین قوانین ایران ونظر آنهائیکه ریشه مسئولیت حقوقی را از مجرمیت میدانند تا اندازه ظاهر میشود.

## مختصری در اطراف مسئولیت حقوقی

توانین ایران هنوز هم این اصل مسئولیت را حفظ کرده‌اند و بموجب مقدمه قانون اصول محاکمات جزائی ممکن است مسئولیت حقوقی موقوف شود بوقوع جرم . البته هنوز مسئله عدم اثبات جرم و آثار آن بر حقوق کسیکه ضرر و زیان دیده بحث نشده و در آتیه باید ذکرى از این بشود . در اینجا باین مقدار باید قناعت شود که نظر آنهاییکه میگویند مسئولیت حقوقی در قانون ما وجود ندارد در اثر بعضی مواد مقدمه قانون اصول محاکمات جزائی احداث شده و شاید بی‌اساس هم نباشد ولی جزئیات آن بعداً بحث خواهد شد و نیز باین مقدار باید اکتفا کرد که قانون از بکنظر بی‌شبهت بعقاید آنان که ریشه مسئولیت حقوقی را ارتکاب جرم میدانند نیست و شاید هر دو تا اندازه بتوانند از تاریخ حقوق مستنداتی برای نظریه خود تحصیل کنند .

اما تاریخ در این مورد مثل بسیاری از موارد دیگر برای نظریات مختلف و متناقض مستندات قابل اعتماد نیست میدهد و محصل را متعیر میسازد . اگر اصل فوق مقرون بصحت بوده لازمه مسئولیت حقوقی مثل لازمه جرم نیت و قصد میشد یعنی کسیکه نیت و قصد عمل خلاف قانونی را نداشته مسئولیت حقوقی نیز نخواهد داشت و این خلاف واقع است نه تنها برای قوانین امروز بلکه برای اجتماعات قرن‌ها پیش تاریخ حقوق مواردی را نشان میدهد که مسئولیت بدون جرم و حتی بودن وجود قصد عملی که از آن ضرر و زیان ناشی شد ثابت بوده است .

**نظریه دوم** درباره ریشه اصلی مسئولیت حقوقی وجود تجاوز است . تجاوز بهره‌چیز و هرکس ممکن است بشود و لازمه آن قصد و نیت نیست .

تجاوز بمال و یا بخدمت شخص هر دو میشود بدون اینکه نیتی درین باشد مثلاً ورود بدون اجازه بملک دیگری تجاوز است و حال آنکه این تجاوز ممکن است با علم و اطلاع و قصد انجام گیرد و یا سهواً اما بهر حال تجاوزی شده و ممکن است ضرر و زیانی را هم متضمن باشد و یا تنه زدن بدیگری یکنوع تجاوز است بشخص او اعم از اینکه با قصد بوده یا بدون آن .

و یا ممکن است حیوان سواری کسی با اطلاع صاحبش وارد ملک دیگری شده این یکنوع تجاوز است که ممکن است متضمن ضرر و زیان و خسارت نیز بشود .

انواع تجاوزات و درجات مختلف آن‌ها از حدود مخیله میگذرد و البته ممکن است که در پیدایش قوانین مربوطه بمسئولیت حقوقی فوق‌العاده مؤثر بوده‌اند ولی این نظریه نیز در قسمتی تجزیه و تحلیل و مقایسه با آنچه امروز مجراست تا اندازه‌ای بطور کلی وعموم صدق نمیکند .

دو عیب نسبتاً مهم بر اصل تجاوز مطلق وارد است اول آنکه مسئله تسامح را از طرف مدعی علیه در نظر نمیگیرد یعنی مسئولیت مطلق ایجاد میکند .

ثانیاً در هر مورد که مال مورد نظر در تصرف مدعی علیه باشد دیگر تجاوز غیر قابل اطلاق است . عیب اول یعنی ایجاد مسئولیت حائز اهمیت فوق‌العاده میباشد .

آثاری باقی است که در شروع قوانین مربوطه بمسئولیت مطلق وجود داشته

### مختصری در اطراف مسئولیت حقوقی

یعنی بعضی اینکه خسارتی وارد میشده بدون توجه بعهد یا تسامح شخص عامل مسئول بوده است .

اولاً - در بسیاری از دعاوی اصل تجاوز مجری بوده بدون وجود خسارتی از جمله دعاوی مالکیت است که برای قرنها باین ترتیب عمل میشده که شخص دیگری را بعنوان تجاوز یا ادعای خسارت مثلاً ده دینار که خسارت اسمی نامیده میشده تعقیب میکردند مسئله اصلی منوط بمالکیت مدعی بوده است و بنا بر این تجاوز بدون خسارت وجود داشته .

وثانیاً - آثاری باقی است که محاکم از قبول مسئولیت مدعی علیه بدون تسامح در عهد خود داشته اند . اطلاق از ۱۶۱۶ باین طرف در انگلیس معمولاً مسئولیت حقوقی بدون تسامح مدعی علیه وجود ندارد .

مسئله تسامح مدعی علیه در صفحات بعدی با تفصیل بیشتر بحث خواهد شد اینجا باید باین اکتفا کرد که بعضی از محاکم در قرون اولیه پیدایش قانون مسئولیت حقوقی از محکوم کردن مدعی علیه بیگناه و یا بهتر است گفته شود بی تسامح خودداری داشته اند مثلاً در قضیه که در سال ۱۶۱۶ پیش آمد محکمه چنین گفت:

مدعی و مدعی علیه با هم مشغول عملیات مشقی بوده اند مدعی علیه با بیگناهی و با عدم قصد و تعمد و بدون میل خودش تصادفاً وسیله جنگی خود را خالی میکند و مدعی زخمی میشود و حال مدعی ادعای خسارت میکند که متکی است به اصل تجاوز .

اما در کلیه تجاوزات شخص عامل مسئول عملیات خود است مگر در تجاوزاتی که در آنها هیچگونه تسامحی نداشته و بنا بر این مدعی حاکم نمیشود . این محدودیت دامنه تجاوز و لزوم تسامح در حینی بوده که قبلاً مکرراً عاملین تجاوز بدون تسامح را محکوم میکردند .

مثلاً کسی که تفنگی را خالی کرده که پرنده ایرا بکشد و درخت محل پرنده را آتش زده و از آنجا خانه مجاور آتش گرفته مسئول شناخته شده در حالیکه عمل خالی کردن تفنگ و کشتن پرنده کاملاً قانونی بوده است .

اینگونه متناقضات است که موجب میشود نویسندگان و محققین معتقد شوند که اصل تجاوز هرگز اصل منحصر بفردی برای مسئولیت حقوقی نبوده و عوامل دیگر و یا اصول دیگر همیشه و در تحت موقعیت های مختلف در آن مؤثر بوده اند .

سومین اصل که برای مسئولیت حقوقی تصور شده خیلی شبیه باصل دوم است شاید جزئی از آن باشد در اینقسمت گفته شده که تحت قانون هرکس بمسئولیت خود عمل میکند هرکس هر عملی را کرد مسئول نتایج آن است و اگر موجب خساراتی شده باشد آنرا جبران کند . این اصل نیز مورد اختلاف نظر و گفتگو است در حالیکه در تاریخ و سوابق حقوقی انواع قضایا پیش آمده که آنرا تأیید و یا تکذیب میکنند .

از مختصر وبالطبع بحث ناقص که در فوق شد شاید بتوان نتیجه گرفت که در شروع اجتماعات و قوانین مربوطه بمسئولیت حقوقی مجرمیت و یا تجاوز و اصول دیگری در این امر

### مختصری در اطراف مسئولیت حقوقی

مداخله کرده اند و بطور کلی در حقوق انگلوساکسون میتوان تصور کرد که اول مسئولیت مطلق اصل حاکم بوده و بعد کم کم و بخصوص از سال ۱۶۱۶ اصل تسامح مدعی علیه دخالت داده شده و امروز این مسئله بقدری مفصل و وسیع شده که دیگر در کلیات آن بحثی نمیتوان کرد.

حقوق اروپائی که اصل خود را از حقوق روم اتخاذ کرده اند مسئولیت حقوقی را ظاهراً بر دو اساس قرار میداده است. اولاً همان اساس مجرمیت است شخص مجرم را بپرداخت غرامت و پرداخت خسارت وارده مجبور کرده اند بنا بر این مسئولیت حقوقی او آمیخته بمسئولیت جزائی او بوده و تفکیک آن در اوایل چندان واضح و روشن نبوده است. اساس دوم که امروز در اروپا حائز اهمیت فوق العاده بیشتری است عبارتست از نوعی تعهد و یا قبول ضمنی آن.

اگر مقذور بوده که تاریخ معین را برای وجود مسئولیت حقوقی بر اساس تعهد حتی نشان دادن کار محصول تاریخ حقوقی بسیار آسان میشد اما اینگونه مفهومات بمرور و خرده خرده از مفهومات دیگری نتیجه شده اند و بنا بر این دانستن مفهومات قبلی برای فهمیدن آنچه بعداً بوجود آمده واجب است.

با در نظر گرفتن این مسئله روشن میشود اصولاً مقذور نیست و یا صحیح نیست که مفهومات اولیه حقوق را در قالب مفهومات امروزی بریزند مثلاً ممکن است اساساً استعمال کلمه و مفهوم تعهد حتی برای آنچه در اول در روم بوجود آمده غلط محض باشد اما چون چاره جز استعمال کلمات متداوله نیست باید دانست که این عیب بزرگ در بین است و بناچار در حین مطالعه باید بآن توجه داشت تا گمراهی نیابد.

در سالهای ۴۵۰ - ۴۶۰ قبل از میلاد در جمهوری روم در مورد مسائل قضائی مشکلاتی پیش آمد که منجر بانتهای دوهیئت مختلف شد که یکی از آنها مدتی وقت در یونان صرف کرد تا قوانین سولون را نیز مطالعه کند و بالاخره تا اواخر سال ۴۵۰ موفقی بنوشتن دوازده لوحه مختلف حاوی کلیه قوانین متداوله در روم گردید. این دوازده لوحه برجی که در محل عمومی کوییده شد مرجع قضائی عمومی واقع گردید.

جزئیات این ۱۲ لوحه و محتویات آنها در دست نیست. همینقدر محرز است که بیش از چندین قرن مرجع قضائی روم بوده اند ولی هرگز کلیه احتیاجات تمدن روم را حتی برای قرون قبل از میلاد نمیتوانسته برآورده کند و بالنتیجه بوسیله رویه مخصوص که در روم متداول بوده در عمل و بوسیله قضات کم کم دامنه تعبیر و ترجمه محتویات آن دوازده لوحه وسعت پیدا کرده بعدیکه بمرور حقوقی ایجاد شده که در اصل در ۱۲ لوحه وجود نداشتند. از جمله آن حقوق چندین نوع از انواع مسئولیت حقوقی است.

این قضات دو نوع تغییر و تبدیل در حقوق قدیم روم ایجاد کردند اول اینکه غرامتهای ثابت را که در اثر فور پول دیگر اثر خود را از دست داده بودند بگرامت بیشتری که مبلغ آن بستگی بنوع عمل عامل داشت تبدیل کردند.

ثانیاً برای ارتکاب بعضی از اعمال جدید که تا آن تاریخ اساساً غرامتی بآنها تعلق

### مختصری در طراف مسئولیت حقوقی

نمیگرفت غرامت قائل شدند. اساس این تغییر و تبدیل یکنوع تعهد ضمنی تصور میشده که قانون بهمه مرتکب خلاف قرار میداده حتی اگر این خلاف از نظر جزا تنبیهی نداشته. ظاهراً حتی این تغییر و تبدیلات تا قرن اول قبل از مسیح احتیاجات عموم را رفع نمیکرده و در حدود ۸۱ قبل از مسیح قانونی وضع شده که سه نوع عمل را مشمول مسئولیت حقوقی کرده مسئولیت حقوقی از این نظر که فقط کسی میتواند ادعا کند که خسارت دیده باشد در صورتیکه قبلاً در مورد ارتکاب جرم هرکس میتواند ادعا و تعقیب کند. ولی تحت این قانون همان محکمه رسیدگی میکرد که معمولاً برای جرائم جزائی صلاحیت داشت. این نشان میدهد که در اول مفهومات حقوقی بروشنی ووضوح مفهومات امروز نبوده بلکه کم کم از یکدیگر جدا شدند در این مورد بوسیله قانون حقوقی جدید از یک نوع دیگر ایجاد شده ولی بعلمت شباهت صوری با دلایل دیگر رسیدگی با آنها بمحاکم قبلی رجوع کرده اند.

ظاهراً در سالهای ۲۸۷ قبل از میلاد قانون دیگری گذشته که بعضی مواد ۱۲ لوحه را نسبت بگرامت و خسارت مربوطه بمال تغییر داده و سه جزء آن باقی است که یکی مربوط بقتل غلامان است و یکی مربوط بخسارت ب حیوانات است و یکی مربوط بسوختن و شکستن و خورد کردن است بعدها این مفاد نیز بوسیله قضات وسعت پیدا کردند. بلکه مهمترین تغییراتی که قضات انتخابی رم بقوانین خود دادند و بموضوع مسئولیت حقوقی مربوط است عبارتست از تعیین غرامت برای دونوع عمل که تا آن تاریخ در حقوق رم اساساً عمل غلط و قابل دریافت خسارت نبودند.

این دو نوع عمل یکی اکراه یا اجبار کسی بکاری بخلاف میلش بوده و دوم تدلیس اگر کسی موفق میشد که دیگری را بوسیله خدعه و تدلیس وادار بکاری کند قانون برای شخص مغبون چیزی قائل نبوده و همچنین شخص مکره اما آن قضات کمکم غرامتهای سنگین برای عمال وارد دانستند و این دو نوع هنوز آثارشان باقی است.

آنچه اینجا باختصار در باره حقوق رم گفته شد شاید اسلاف مسئولیت حقوق امروز ممالک اروپائی باشد. همچنین فرق آن بقوانین انکلسا کسون اینست که اساس این مسئولیت در حقوق رم و مشتقات آن بر تعهدات ضمنی است که قانون بین طرفین ایجاد میکند قانون در واقع یکنوع قرارداد بین طرفین مینماید گرچه خود آنها از وجود چنین قراردادی و یا مفاد آن بیخبرند.

در مورد حقوق انکلسا کسون قانون وظایفی را برای طرفین قائل است که هرکسی بوظیفه خود عمل نکند ممکن است تحت شرایطی ناچار بپرداخت غرامت شود. اما این تفاوت در زندگی امروز ممالکی که تحت این دونوع حقوق مختلف بسر میبرند تا چه اندازه مؤثر شد مطلبی است که مربوط میشود بمتخصصین مطالعه آثار اجتماعی قانون ونه وکلاء و قضات.

اما برای یک خواننده ایرانی این مسئله اقلاً از یک نظر اهمیت دارد و آن مواد ۳۲۴ و ۳۲۵ قانون مدنی است این مواد که در اطراف آنها در صفحات بعد بیشتر

### مختصری در اطراف مسئولیت حقوقی

بحث خواهد شد جزئی از بحث مربوط به تسبیب اند که خود جزئی از فصل مربوط بضمآن قهری است و ضمان قهری باین است از الزاماتی که بدون قرارداد حاصل میشود که خود از ابواب تعهدات است .

بنابراین از این حیث حقوق ایران بی شباهت بحقوق اروپائی نیست و این وجه تشابه بیشتر محرز میشود بخصوص اگر توجه کنیم که قانون مدنی فرانسه نیز اصول جدید مسئولیت حقوقی را به اساس تعهداتی از این نوع گذاشتند و بحث را جزئی از تعهدات بحث کرده و شاهد این مدعی مواد ۱۳۸۶ و ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه است که جزئی از تعهدات و الزامات در قانون مژورانند .

### کلیاتی در اطراف مسئولیت حقوقی

اجتماعات بشری در مواقع مختلف تحت شرایط متفاوت برای هزارها سال بخوبی و خوشی زندگی کرده اند و شاید با اطمینان میتوان گفت که هرگز اجتماع بشری بدون نوعی از انواع قانون نزیسته و شاید بهمان اطمینان میتوان گفت که قوانین جاریه در مواقع مختلف همیشه قابل ترقی و بهبودی بوده اند .

امروز هم اجتماع ما شاید بتواند با داشتن و یا با نداشتن قوانین مربوطه بمسئولیت حقوقی زندگی کند ولی همیشه میتوان اطمینان داشت که در وضع اجتماع ما شاید از بعضی چیزها بهبودی حاصل شود اگر ماموق شویم قوانین جدید برای احتیاجاتمان وضع کنیم و این مطالعه که در دست است هم از نظر یک محصل اجتماع میشود و هم از نظر یک وکیل یا قاضی عدلیه که آیا وجود یا عدم چنین قوانینی چه اثری در احوال کلی اجتماع ما ایجاد خواهند کرد .

قوانین مربوط بمسئولیت حقوقی چنانکه در مقدمه تاریخی فوق مختصراً ذکر شد بررور و برحسب احتیاجات اجتماعی بوجود آمدند و امروز انواع روابط اجتماعی بین افراد را تنظیم میکنند و برحسب احتیاجات مختلف در تغییر و تبدیل اند بهترین و مختصرترین تعریفی که برای این قوانین ذکر شده صورت منفی دارد یعنی فقط ممکنست گفت که چه چیزهایی نیستند .

مسئولیت حقوقی مسئولیت جزائی نیست و مسئولیت قراردادی هم نیست و نمیتوان گفت که چه چیز بخصوصی هست . اینقدر محرز است که موجب قوانین مسئولیت حقوقی در تحت شرایطی بمدعیان مخصوص غرامت از طرف فردی است عادی . این تعریف البته مسئله را حل نکرده و در واقع نمیتواند کرد باید برای فهمیدن دامنه و موقعیت قوانین مسئولیت حقوقی از طریق دیگر داخل شد .

در مقابل این مسئولیت که چرا از یک طرف غرامت میگیریم چندین جواب ممکن است داده شود :

اولاً ممکن است گفته شود که شخص خسارت دیده را باید بصورت اول خود رجعت دهیم - این جواب چندان مقنع نیست چون بسیاری از اوقات هستند که بدون وجود خسارتی بعنوان خسارت اسمی مبلغ جزئی دریافت میشود .

### مختصری در اطراف مسئولیت حقوقی

و ثانیاً بسیاری از خسارات را نمیتوان جبران کرد و بصورت اول خود برگردانید از جمله درد و الم کسیکه در اثر تصادفی زخمی شده یا حواس خود را برای همیشه از دست داده و یا عضوی از اعضای او ناقص شده در اینصورت اگر مبلغی از طرف گرفته شود خسارت واقعی مدعی را تلافی نمیکند و خسارت جدیدی هم بطرف زده شده . اگر در جواب سؤال گفته شود که مقصود از وجود غرامت این است که بعلت آن مردم بیشتر احتیاط کنند و بالتبصره اثر مانع در مقابل تصادفات را دارد در عمل مشاهده میشود که غیر از این پیش میآید یعنی با غرامتهای گزاف احتیاط بیشتری نمیشود و در ضمن در بعضی از اوقات از کسانی که اختیار زیادی برای اعمال خود ندارند خسارت و غرامت گرفته میشود .

جوابهای دیگری نیز ممکن است برای سؤال مطروحه فکر کنیم اما در واقع هیچیک از نظر منطقی و عملی مطلب را خوب قانع نمیکند .

اینطور بنظر میرسد که از قرنهای پیش بشر معتقد بوده که افراد آن آزادی عمل دارند و اگر گناه کنند تنبیه میشوند و بنابراین میتوانند و باید موظف باشند نسبت باعمال خود دقت کنند و مسئول نتایج آن باشند . آیا این مطلب تا چه اندازه پایجاده مسئولیت حقوقی نفوذ کرد معلوم نیست فقط مثل اینکه بی اثر هم نبوده اما مسائل امروز اجتماع ما باین سادگیها و با بحث در آزادی فطری بشری و یا عدم آن حل نمیشود .

تقریباً هر روز در روزهای تایستان یک تصادف نسبتاً مهم که در آن اغلب مرگ و زخمیهای شدیدی اتفاق میافتد در راه خیابان پهلوی بین تهران و تجریش پیش آمد میکند .

اغلب میشتویم یک اتوبوس از بالای پل بمیان رودخانه پرت شده و عدهای از مسافرین سخت زخمی و یا بعضی تلف شده اند .

اغلب میشتویم طیارات بزمین افتادند و عده تلف شدند و یا آتش سوزی در کارخانه عده را زخمی و ناقص کرد و یا دیگ بخاری ترکیده و باعث خسارت و خرابی شده .

خلاصه هر روز نوعی از انواع پیش آمدها موجب خسارت عده میشود که اغلب خسارت دیدگان در وقوع پیش آمد هیچگونه گناهی نداشته اند و یا کسانی را که قانون مسئول میداند از عهده جلوگیری از تصادف نیامده اند حتی اگر کمال احتیاط و سعی را هم مبذول داشته اند و در این صورت تکلیف چیست؟

آیا میتوان بدون اتومبیل زندگی کرد ؟

آیا میتوان بدون طیاره زندگی کرد ؟

آیا میشود هیچ کارخانه نساخت و بدون آنها زیست .

جواب این سؤالات بطرز یقین منفی است و اگر چنانچه اتومبیل و طیاره و کارخانه وجود داشته باشد تصادفات هم هست . هیچ درجه احتیاطی در هیچ نقطه دنیا نتوانسته از تصادف اتومبیلها جلوگیری کند تا چه رسد بطیاره و کارخانه . واضح است که کارگری که در مقابل ماشین تراش مشغول کار است میل ندارد دستش را



### مختصری در اطراف مسئولیت حقوقی

تیغه تراش برود و تا اندازه میتوان اطمینان داشت که اغلب کارفرمایان نیز میل ندارند ببینند کارگرایشان زخمی شده.

ولی هیچیک از آنها و هیچ درجه از احتیاط نمیتواند مانع تصادفات که منجر به زخمی شدن میشوند گرددند. در این صورت تکلیف اجتماع چیست و تکلیف زخمی ها چه میشود. تا بحال بوسیله قوانین مختلف بخصوص آنچه مربوط به مسئولیت حقوقی است بنحوی از انحاء قسمتی از این خسارت را از محلی جبران میکرده اند.

مثلاً اگر شوفری که برای ارباب خودش که کوره آجرپزی دارد آجر حمل و نقل میکند کسی را زیر می گرفت معمولاً ارباب یا کارخانه مسئولیت حقوقی دارند.

این اصل هنوز در ایران مجرانیست ولی تقریباً در تمام دنیای غرب مجری است ولی کوره پزیکه خسارت میدهد البته قیمت آجرها را بالا میبرد و بالاخره مصرف کنندگان آجر خسارت را من غیر مستقیم میدهند همین طور شرکت مسافربری هوایی. اگر بهر دلیلی طیاره افتاد آن مسئول است حتی اگر راننده طیاره مسامحه کرده یا نکرده باشد.

حال شرکت مسافربری که باید خسارت بدهد بلیط های خود را گران میکند و مصرف کنندگان بطور کلی قیمت را میدهند. همینطور باقی کارخانجات و شرکتهای مختلف. اگر تمام آنها خسارتها را بدهند بالاخره خسارت روی قیمتها کشیده و اجتماع بطور کلی آنها را پرداخت میکند. این خسارتها بطور کلی داده میشود بعلت مسئولیت حقوقی قابل دریافت و اجراء میشوند.

بنا بر این مسئولیت حقوقی از جهتی قانون مربوطه بتقسیم غرامت و خسارت در اجتماع میباشد و اثر آن یکنوع تساوی و تقسیم مسئولیت است که هیچ شخص بخصوصی غرامت فوق العاده سنگین ندهد و هیچکس هم که ضرر دیده بی خسارت و غرامت نماند. اینجا بیموقع نیست اشاره بآثار مربوطه بیمه بشود اگر تمام کسانی که در فوق ذکر شد مشمول مسئولیت حقوقی میشوند خود را بر علیه آن بیمه کنند و بیمه کلیه خسارتها را بدهد و تمام سازندگان و یا کارفرمایان حق بیمه را جزء مخارج خود قلمداد کنند وضعیت خسارت دیدگان بطور کلی راحت تر میگردد و امور باراحتی بیشتر پیشرفت میکند. بیمه یا قانونی که بیمه کردن را اجباری میکند هم یکنوع اثر تقسیم مسئولیت در تمام اجتماع را خواهد داشت و همه یک جزء کوچک از مسئولیت را عهده میگیرند و هیچکس بتنهائی مبالغ گزافی برای آن نمیدهد که از عهده بر نیاید.

این بود مختصر کلیاتی در اطراف آثار قانون مسئولیت حقوقی. این مختصر کافی نمیتواند بود و خصوصیات نکات بسیار حساس مسئولیت حقوقی را اساساً بشمار نیاورده اما بطور مجمل اشاره بموقعیت اجتماعی آن میکند اکنون میتوان باز باختصار وارد بحث در اطراف عوامل مختلف قانون مسئولیت حقوقی شد.